



Narrations of the world of Barzakh in the hadith sources of Fariqin and its effect on the formation of the belief in the life of Barzakh

Ezatullah Maulai Nia^{a*}, Ali Badri^b

^aAssociate Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, University of Qom, Qom, Iran

^bPhD candidate in Quran and Hadith Sciences, University of Qom, Qom, Iran

KEY WORDS

Barzakh, Grave
Hadiths of
Shia and Sunni, the
Public

Received: 06 April 2023;
Accepted: 24 May 2023

Article type: Research Paper
DOR: 20.1001.1.28212495.1402.2.2.2.8

ABSTRACT

The present article aims to study and answer the question of what the Barzakh is like in the hadiths of the Fariqin (Shia and Sunni) and what their commonalities and differences are. The study followed library research and analyzed the most important topics of life in Barzakh in a comparative manner and presented a clear picture of it in different traditions. The analysis shows that existence of Barzakh has been emphasized in the narrations of Fariqin, with darkness as the main principle and with an emphasis on the grave. Yetm there are many differences on the questions asked from the deceased. Also, in the Shia narrations, there are two types of narrations regarding the question of Barzakh, which contradict, and there are some areas to reconcile them. An imaginal body in Shia narrations and the placement of the believer's soul inside bird nests in the heaven are among the cases of difference. Regarding the location of Barzakh, there are differences in the narrations of Fariqin. A hard life, the torment of the grave, and a comfortable sleep are among the commonalities of the Fariqin narratives about Barzakh. In the hadiths of Fariqin, there is a mention of the return of the soul to the body in the grave and Barzakh, yet, the narration is not acceptable due to the narrator's additions. It should be added that the common areas in the narratives of the Barzakh in the narrative sources of Fariqin have had a significant role in the formation of the belief in the life of the Barzakh.

* Corresponding author.

E-mail address: molaeiniya@gmail.com

©Author





روایات عالم برزخ در منابع حدیثی فریقین و تأثیر آن بر شکل‌گیری اعتقاد به حیات برزخی

عزت الله مولایی نیا^{الف}، علی بدری^ب

^{الف} دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، قم، ایران
^ب دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث دانشگاه قم، قم، ایران

واژگان کلیدی	چکیده
برزخ، قبر احادیث فریقین شیعه، عامه تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۱/۱۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۳/۰۳ مقاله علمی پژوهشی	نوشتار پیش رو با عنوان «روایات عالم برزخ در منابع حدیثی فریقین و تأثیر آن بر شکل‌گیری اعتقاد به حیات برزخی» در صدد پژوهش و پاسخ به این سؤال است که برزخ در روایات فریقین چگونه است و موارد اشتراک و افتراق کدام است و این احادیث چه تأثیری در شکل‌گیری اعتقاد به برزخ در فریقین دارد. روش این پژوهش کتابخانه‌ای است که اهم مباحث حیات برزخی را به صورت تطبیقی بررسی کرده و تصویر واضحی از آن را در روایات فریقین ارائه داده و به این نتیجه رسیده؛ که اصل وجود برزخ در روایات فریقین مورد تأکید بوده و اصل اولی در برزخ ظلمت بوده و بر سؤال قبر (برزخ) تأکید بسیار شده اما در موارد سؤال‌ها اختلاف است. همچنین در روایات شیعه دودسته روایت در خصوص سؤال در برزخ وجود دارد که در تعارض بوده و وجهی برای جمع میان آنها ذکر شده است. بدن مثالی در روایات شیعه و استقرار روح مؤمن داخل چینه دان پرندگان در بهشت از جمله موارد افتراق است. در خصوص مکان برزخ نیز در روایات فریقین اختلافاتی مشاهده می‌شود. زندگی سخت، عذاب قبر و خواب راحت از جمله مشترکات روایات فریقین در خصوص برزخ است. در روایات فریقین از اعاده روح به جسد در قبر و برزخ سخن به میان آمده که به دلیل دخیل بودن یا اضافات راوی، قابل قبول نیست. باید افزود موارد مشترک روایات برزخ در منابع روایی فریقین در شکل‌گیری اعتقاد به حیات برزخی نیز شکل به سزایی داشته است.

۱. مقدمه

نوشتار حاضر با عنوان «بررسی تطبیقی حیات برزخی از احادیث فریقین» در صدد پژوهش و پاسخ از این سؤال است که برزخ در احادیث فریقین چگونه به تصویر کشیده شده و موارد اشتراک و افتراق آن در این مورد کدام است؟ و چه تأثیری در شکل‌گیری اعتقاد فریقین به حیات برزخی دارد؟ این پژوهش به روش کتابخانه‌ای اهم مباحث احادیث را در خصوص حیات برزخی به صورت تطبیقی بررسی می‌کند و تأثیر آن را در شکل‌گیری اعتقاد به حیات برزخی پی می‌گیرد؛ چون پژوهش در خصوص برزخ از اهمیت خاصی برخوردار است چرا که یکی مسائل مهم اعتقادی بوده که با بحث معاد که از اصول دین است ارتباط مستقیم دارد و به ویژه با مرگ و قبر ارتباط تنگاتنگی دارد و یکی از گمشده‌های

عالم بشری به ویژه موحدان عالم است تا اعمال خویش را با دقت بیشتری انجام داده واز موجبات گرفتاری دربرزخ پرهیز کنند و خود را برای یک حیات سعادت‌مند آماده سازند. واژه «برزخ» در قرآن کریم سه بار به کار رفته است؛ (فرقان/۵۳؛ الرحمن/۲۰؛ مؤمنون/۱۰۰) که درهرسه مورد به معنای مانع و حائل است (فراء، یحیی بن زیاد، معانی القرآن، ۲/۲۴۲؛ ۲۷۰). درسوره مؤمنون به برزخ مصطلح اشاره شده است. زندگی پس از مرگ همواره ذهن انسان را به خود مشغول می کند و انسان با خود این سؤالات را تکرار می کند؛ زندگی در آن سوی مرگ چگونه است؟ انسان ها پس از مرگ در چه حال و روزی هستند؟ اما هنگامی که به فرهنگ قرآن و روایات مراجعه می کند واز وصف برزخ آگاه می شود تکلیف خود را به وضوح می یابد و سعی می کند که با اعمال خویش، خود را برای زندگی مطلوب دربرزخ تا فرا رسیدن قیامت آماده نماید. بحث از چگونگی حیات برزخی و تبیین آن و بررسی وجوه اشتراک و اختلاف آن در روایات فریقین از این حیث ضرورت دارد که نگاه ما را به حیات برزخی از دید احادیث روشن می کند.

۲. پیشینه پژوهش

درخصوص بحث برزخ پژوهش های فراوانی صورت گرفته است که البته عمدتاً از دیدگاه فلسفی - کلامی وگاه تفسیری بوده وکمتر به بحث برزخ از نگاه احادیث و به ویژه احادیث فریقین توجه شده است. قبل از هر چیز لازم است تا به پیشینه پژوهش پرداخته شود تا اهمیت تحقیق روشن گردد.

۲.۱. کتاب ها

- البرزخ، اثر جعفرالباقری.
- انسان و عالم برزخ، اثر محمد مظاهری.
- انیس العارفین، اثر عبد الله صادق.
- بررسی برزخ از دیدگاه آیات و روایات، اثر محبوبه کریمی.
- برزخ از منظر آیات و روایات، اثر سید حسن میرلوحی.
- برزخ در آیین آیات و روایات، اثر رقیه جدی حسینی.
- بررسی تطبیقی حقیقت عالم برزخ از دیدگاه عقل و نقل (همراه بحثی درعالم مثال و نفس انسان)، اثر احسان ترکاشوند.
- بررسی عالم برزخ در تفاسیر شیعه و عامه اثر محمد رضا رضاپور.
- برزخ، اثر عبد الحسین دستغیب.
- برزخ، اثر مهدی فربودی.
- برزخ در علم کلام، علی شمس.
- تصویر برزخ وبرزخیان در قرآن کریم، اثر فاطمه کریمی.
- چهل حدیث برزخ، اثر حسن نقیبی.
- چگونگی زندگی درعالم برزخ، اثر مرتضی شریفی اشکوری.
- حرکت استکمالی درعالم برزخ، سید باقر سیدی.

۲.۲. پایان نامه ها

- عالم برزخ از دیدگاه قرآن وسنت، اثرعلی ملک زاده.
- بررسی عالم برزخ از دیدگاه قرآن، حلیمه محمدی.
- عالم برزخ از نظر قرآن وملاصدرا، اثر فاطمه بدیعی علیا.
- عالم برزخ، ماهیت وویژگی ها، اثرعبد الله واعظی.
- تبیین وتحلیل سازگاری روایات برزخ با آیات قرآن کریم، اثر نرگس نطقی.
- عالم برزخ از نظر امام خمینی وملاصدرا ومناسبات آن با آیات وروایات، اثر فتانه نصیرین کامران.
- ماهیت وویژگی های عالم برزخ در روایات ائمه معصومین (علیهم السلام)، اثر اکبرمنتشلو.
- بررسی تطبیقی تفسیرآیات ناظر به حقیقت برزخ از دیدگاه روایات امامیه واهم مفسران اجتهادی غیر روایی فریقین (طبرسی، فخر رازی وعلامه طباطبایی)، مهین زمان وزیری.
- مقایسه عالم برزخ در اسلام ومسیحیت با تکیه بردیدگاه ملاصدرا وتوماس آکوئیناس، اثر فاطمه قائمی.
- مباحث عقلی تغییر وتکامل نفس انسان درعالم برزخ وقیامت بر مبنای حکمت متعالیه، اثرمنصوره سادات وداد.
- عالم برزخ با تکیه بر حکمت صدرایی وتطبیق آن با موارد تجربه شده، اثر الناز موسی پور گرجان.
- بررسی حالات وافعال روح درعالم برزخ از منظر آیات وروایات، آتابی بنیادف.
- چگونگی حیات درعالم برزخ وقیامت از دیدگاه قرآن وسنت، فوزیه حسینی زاد.
- بررسی تطبیقی عالم مثال وعالم برزخ از دیدگاه علامه طباطبایی وعلامه جوادی، اثر زینب اصغریان.
- بررسی لذت وآلم دربرزخ از دیدگاه متکلمین شیعه وسنی، اثر لیلا پورکوشکی.
- بررسی دیدگاه های تفسیری وروایی تکامل درعالم برزخ بر مبنای حکمت متعالیه، حسین خالقی پور.
- عالم برزخ از دیدگاه شیخ مفید، قاضی عبدالجبار وفخررازی، اثر الهام قراگلی.
- عالم برزخ از منظر صدرالمتالهین ملاصدراشیرازی (محمد بن ابراهیم) وقشیری (ابوالقاسم عبدالکریم هوازن)، اثر احمد موحد دوست.
- احادیث حیاة البرزخ فی الکتب التسعة، جمعاً، وتخریجاً، ودراسة اثرمحمد بن حیدر بن مهدی بن حسن (رساله دکتری).

۳.۲. مقالات

- نقد ادله عقلی ونقلی انکاربرزخ از دیدگاه قرآنیان شبه قاره هند (با محوریت آراء جیراج پوری)، باب الله محمدی، عزت الله مولایی نیا، محمد تقی بیگدلی، حسن رضایی هفتادر.
- شفاعت دربرزخ، اثرمحمد اصغری نژاد.
- انسان درعالم برزخ، اثرسید محسن میرباقری.
- برزخ در قرآن وروایات؛ حقیقت برزخ از منظر قرآن وروایات معصومین، اثر زیبا خانگلی زاده.
- واکاوی حقیقت عالم برزخ، اثر رضا رستمی زاده وحلیمه محمدی.

- اقسام بدن انسان و نقش آنها در دنیا، برزخ و قیامت، اثر علی افضلی.
 - بررسی عالم برزخ از نگاه معارف نقلی و کلامی، اثر اکبر اسد علیزاده.
 - تحلیلی از عالم برزخ؛ در وجودشناسی ابن سینا، اثر رضا محمد نژاد و جعفر شانطری.
 - جایگاه برزخ در هندسه وجود شناختی صدرایی، اثر سید عباس ذهبی و سید حمیدرضا سید وکیلی.
 - نقد ادله ی قرآنی بر قیامت در باره ی برزخ از دیدگاه علمای شیعه، پروین نبیان و دیگران.
 - پژوهشی در معنای زمان و مکان در عالم برزخ با توجه به آیات و روایات، اثر احسان ترکاشوند و دیگران.
 - تحلیلی از عالم برزخ صعودی در وجودشناسی شیخ اشراق، اثر رضا محمد نژاد و جعفر شانطری.
- چنانکه از پژوهش های پیشین در مورد برزخ هویداست، غالب پژوهش ها در خصوص حقیقت برزخ از دیدگاه های فلسفی - کلامی یا قرآن کریم و گاه روایات بوده اما در این میان بررسی تطبیقی حیات برزخی از نظر احادیث فریقین مورد مطالعه قرار نگرفته و لذا ضرورت دارد تا در پژوهشی مستقل مورد تحلیل و واکاوی قرار گیرد.

۳. مفهوم برزخ

با توجه به اهمیت مسئله لازم است نگاه دقیقی به واژه «برزخ» داشته باشیم. برزخ بر وزن فرسخ بوده و گفته شده واژه ای غیرعربی است و اصل آن «برزه» بوده که تعریب یافته است (راغب، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، ۱۱۸). برخی برزخ را هر چیزی دانسته که میان دو چیز قرار گیرد و میت را از این رو در برزخ دانسته اند چون میان دنیا و آخرت قرار می گیرد (فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ۴/ ۳۳۸). برخی دیگر اصل برزخ را از «برز» دانسته و حرف «خ» را زائده گرفته و معتقد است برزخ ابتدا به معنای مکان وسیعی از زمین بوده سپس به معنای مانع به کار رفته است (ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، ۱/ ۳۳۳). جمع آن برازخ بوده (ابن اثیرمبارک بن محمد، النهاية، ۱/ ۱۱۸) و از این روی برازخ الایمان را به معنای چیزی بین شک و یقین دانسته اند (فراهیدی، خلیل بن احمد، العین، ۴/ ۳۳۸؛ صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، ۴/ ۴۶۵). از مجموع کتب لغت چنین به دست می آید که در معنای مانع و حاجز برای برزخ اتفاق نظر وجود دارد. طریحی با توجه به روایات، برزخ را همان ثواب و عقاب میان دنیا و آخرت دانسته است (طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین، ۲/ ۴۳۰). در روایات شیعه برزخ به قبر معنا شده است (قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر منسوب به قمی، ۱/ ۱۹؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۳/ ۲۴۲)، بنابراین ورود به قبر ملازم با ورود به عالم برزخ است. برزخ در اصطلاح متکلمان و مفسران عمدتاً به معنای فاصله میان دنیا و آخرت به کار می رود (طوسی، محمد بن حسن، التبیان، ۷/ ۳۹۴).

۴. دسته بندی روایات فریقین پیرامون برزخ

در روایات فریقین چند دسته روایت در خصوص برزخ وجود دارد که در این نوشتار با دسته بندی این روایات به بررسی آن ها خواهیم پرداخت.

۴.۱. بیان معنای برزخ

دسته ای از روایات به تبیین حقیقت و معنای برزخ پرداخته است. برزخ در روایتی از امام صادق (ع) همان قبر دانسته شده است (قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر علی بن ابراهیم، ۱/ ۱۹) همچنین در روایتی از کافی این معنا تأیید شده است (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۳/ ۲۴۲) همچنین در روایت دیگری از خصال نیز این نکته تأیید شده

است (صدوق، محمد بن علی، الخصال، ۱/ ۱۲۰). در روایات عامه پرداختن به این مهم (معنای برزخ) به چشم نمی خورد.

۲.۴. تاریخ برزخ

در دعای اول صحیفه سجادیه اصل حیات برزخی تاریک عنوان شده، حمد و ثنای خداوند عاملی برای روشن شدن آن دانسته شده؛ «حَمْدًا يُضِيءُ لَنَا بِهِ ظُلُمَاتِ الْبَرْزَخِ» (امام سجاد، علی بن الحسین، صحیفه سجادیه، دعای ۱). احتمالاً برزخ در این دعا به معنای قبر است و این طبیعی است که قبر به خودی خود تاریک باشد. البته شاید بتوان گفت با توجه به جمع آوردن «ظلمات» مقصود از برزخ، قبر و مراحل ما بعد از قبر باشد که اصالتاً تاریک است و برای روشن شدن به امور و اعمالی نیاز دارد. همچنین در دعای ابو حمزه ثمالی امام سجاد (ع) از گریه خویش به خاطر تاریکی قبر خبر می دهد (طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهجد، ۵۹۱/۲). در روایتی از کافی قبر «بیت الظلمة» معرفی شده است (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۳۳/۳). در دعایی که هنگام وقوف در صفا خوانده می شود از تاریکی قبر به خدا پناه برده شده است (همان، ۴۳۱/۴؛ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ۱۴۶/۵). در روایات عامه نیز، قبر پر از ظلمت و تاریکی عنوان شده است (ابن حنبل، احمد، مسند احمد، ۱۵/۱۹، ۱۴/۴۹۵؛ ابن حجاج، مسلم، صحیح مسلم، ۶۵۹/۲).

۳.۴. سوال قبر (برزخ)

با توجه به این که قبر یا همان برزخ است، یا درب ورود به برزخ، ناگزیر در این مرحله سؤالاتی از انسان خواهد شد. در قطعیت سؤال در برزخ هیچ شکی نیست و بنابر برخی روایات منکران آن در زمره شیعیان اهل بیت (ع) نیستند (صدوق، محمد بن علی، الامالی، ۲۹۵). دسته ای از روایات این سؤالات را در خصوص پروردگار، پیامبر و دین شخص دانسته (قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر علی بن ابراهیم، ۱/ ۳۷۰؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۳/ ۲۳۲؛ صدوق، محمد بن علی، الامالی، ۲۹۰؛ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ۳۴۸) دسته ی دوم از روایات سؤال از امام (اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ۸۷؛ عسکری، حسن بن علی، تفسیر منسوب به امام عسکری، ۲۱۳؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۳/ ۲۳۸ - ۲۳۹؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، ۳۴۷) دسته سوم سؤال از کتاب (صدوق، محمد بن علی، الامالی، ۳۱۴؛ طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الامامة، ۳۳۶) و دسته چهارم سؤال از قبله (عسکری، حسن بن علی، تفسیر منسوب به امام عسکری، ۲۱۴؛ ابن شهر آشوب، محمد بن علی، المناقب، ۳/ ۲۵۵) دسته پنجم برادران [ایمانی] را نیز (عسکری، حسن بن علی، تفسیر منسوب به امام عسکری، ۲۱۴؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۶/ ۱۷۵) افزوده است. دسته ششم روایات، سؤالات قبر و برزخ را پنج چیز؛ نماز، زکات، حج، روزه و ولایت بیان داشته است و طبق این دسته از روایات، ولایت کامل کننده نقص چهارمورد دیگر است. (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۳/ ۲۴۱)

در صورت پاسخ صحیح و حق به آن ها برای شخص گشایش حاصل می شود و به سوی بهشت رهنمون خواهد شد و در غیر این صورت به سوی جهنم رهنمون می شود (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۳/ ۲۳۲). در یکی از دعاهای ماه رجب از خداوند نجات از سوال برزخ درخواست شده است (طوسی، محمد بن حسن، مصباح المتهجد، ج ۲، ص ۸۰۳)

این دعا حاکی از سختی پاسخ گویی به این سؤالات است. قدرمتیقن از این روایات آن است که شروع ورود به برزخ با سؤالاتی درخصوص عقاید شخص همراه است.

البته برخی از روایات شیعه حاکی از آن است که سوال قبر تنها از مؤمنان و کفار خالص انجام می گیرد و تعبیر «مَنْ مَحَضَ الْإِيمَانَ مَحَضًا أَوْ مَحَضَ الْكُفْرَ مَحَضًا» (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۳۵/۳؛ صدوق، محمد بن علی، من لایحضره الفقیه، ۱/۱۷۸؛ مفید، محمد بن محمد، تصحیح الاعتقادات، ۹۰) در این روایات به این مطلب اشاره دارد. کلینی این روایت را با ۵ طریق نقل کرده که برخی از آن ها صحیح هستند. با توجه به اینکه سایر روایات سوال در قبر مطلق بوده و همگان را شامل می شود و اختصاصی به مؤمن و کافر محض ندارد و تعبیری همچون «يَجِيءُ الْمَلَكَانِ مُنْكَرٌ وَنَكِيرٌ إِلَى الْمَيِّتِ» (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۳۵/۳)، «يُسْأَلُ الرَّجُلُ فِي قَبْرِه» (همان، ۲۳۸/۳)، «إِذَا وُضِعَ الرَّجُلُ فِي قَبْرِهِ أَتَاهُ مَلَكَانِ» (همان)، «إِذَا وُضِعَ الْمَيِّتُ فِي قَبْرِه» (همان، ۲۴۰/۳) همه و همه حاکی از عمومیت سوال قبر است. به نظر می رسد با توجه به یکسان بودن سیاق این روایت با روایت رجعت و این که تنها مؤمنان و کفار خالص به دنیا باز می گردند (قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر علی بن ابراهیم، ۱۳۱/۲؛ مفید، محمد بن محمد، تصحیح الاعتقادات، ۹۰)، این روایت نیز ناظر به رجعت باشد و سوال، سوال از رجعت است نه سؤالی که از همگان پرسیده می شود و در واقع مقصود از سوال در این روایات درخواست است، یعنی از این دو دسته خواسته می شود که به دنیا بازگردند. البته احتمال دارد نوع خاصی از سوال برای این دو گروه باشد که با توجه به دردست نبودن قرائن همچون کیفیت سوال راوی به طور دقیق نمی توان به نوع آن سوال پی برد. برخی نیز واژه «محض» را در این روایات به صورت مصدری خوانده اند (ر.ک: مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین، ۱/۴۶۸؛ همو، لوامع صاحبقرانی، ۲/۴۵۶) که در این صورت معنای روایت این خواهد بود؛ که تنها از ایمان محض و از کفر محض سوال پرسیده می شود، البته این برداشت، با ذیل برخی از روایات حاکی این مضمون که تعبیر «وَالْآخِرُونَ يُلْهَوْنَ عَنْهُمْ» در آن ها وارد شده منافات دارد؛ چرا که جمع مذکر سالم تنها برای اشخاص به کار می رود (همو، لوامع صاحبقرانی، ۲/۴۵۶). احتمال دیگری که داده شده این است که مقصود از سوال، سوال مقرون به ثواب و عقاب است (مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین، ۱/۴۶۸). به این معنا که دربرزخ تنها مؤمنان و کفار خالص پاداش و عقاب داده می شوند اما از دیگران هر چند سوال پرسیده می شود اما ثواب یا عقاب در قیامت خواهد بود، اما این تأویل شاهی ندارد، بلکه با سایر روایات برزخ که ثواب و عقاب دربرزخ در آن به گروه خاصی مقید نشده در تنافی است.

طبق گزارش ابوداود، پیامبر اکرم (ص) بعد از فراغت از دفن هرمیتی روبه تشییع کنندگان می فرمود: «برای برادران استغفار کرده و برای او ثبات قدم بطلبید؛ چرا که وی همین الآن مورد سوال قرار می گیرد» (ابوداود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، ۳/۱۴۰۲).

در برخی از روایات عامه تعبیر «تُبَلَى فِي قُبُورِهَا» به کار رفته (ابن حجاج، مسلم، صحیح مسلم، ۴/۲۲۰۰؛ ابن حنبل، احمد، مسند احمد، ۲۱/۱۱۹) که به نظر مقصود همان سوال قبر است. همچنین تصریح به سوال ملک از میت در قبر در روایات عامه به چشم می خورد (ابن حنبل، احمد، مسند احمد، ۲۱/۱۱۹؛ ابوداود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، ۴/۲۰۲۹) برخی روایات از نکیر و منکر که برای سوال از میت به قبر او آمده سخن به میان آورده (ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، ۳/۲۴۹).

طبق دسته ای از روایات عامه، سوال قبر و برزخ تنها از معبود و رسول (ابن حنبل، احمد، مسند احمد، ۲۱/۱۱۹؛

ابوداود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، ۲۰۲۹/۴) بوده و از چیز دیگری سؤال نمی شود (همان دومنبع). البته در سند این روایت از طریق احمد بن حنبل، سعید بن ابی آروبه قرار دارد؛ که قدری مذهب بوده و در آخر عمر به اختلال حواس دچار شده و اهل تدریس هم بوده است (ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، میزان الاعتدال، ۱۵۲/۲-۱۵۳). انس بن مالک نیز هر چند در برخی منابع عامه به عنوان صحابی عادل شمرده شده و مورد تکریم است (ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابة، ۲۹۵/۱-۲۹۶) لیکن در کل مشکل دارد چون در روایتی از منابع شیعه وی به عنوان یکی از سه نفری معرفی شده که بر رسول خدا (ص) دروغ می بست (صدوق، محمد بن علی، الخصال، ۱۹۱/۱). همچنین در طریق ابی داود، عبد الوهاب بن عطاء خفاف قرار گرفته که وی را فردی ضعیف و مضطرب الحدیث دانسته اند (عقیلی، محمد بن عمرو، الضعفاء الکبیر، ۷۷/۳). از سویی با توجه به این که در روایات شیعه به سؤال از امام تصریح شده (اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ۸۷؛ امام عسکری (ع)، حسن بن علی، تفسیر منسوب به امام عسکری، ۲۱۳؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۳۸-۲۳۹؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، ۳۴۷) به نظر می رسد تعبیر «فَمَا يُسْأَلُ عَنْ شَيْءٍ غَيْرِهَا» در روایت عامه از سوی راوی؛ یعنی انس بن مالک افزوده شده باشد. ترمذی، نسائی و ابی داود نیز روایتی را نقل کرده اند که در آن تنها به سؤال از پروردگار، دین و پیامبر (ص) میت در قبر اکتفا شده است (ابوداود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، ۲۰۳۰/۴؛ ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، ۱۴۰/۵؛ نسائی، احمد بن علی، سنن نسائی، ۳۷۲/۶). دسته ای دیگر از روایات عامه این سوالات را در خصوص پروردگار، پیامبر، دین و امام شخص دانسته است (حسکانی، عبیدالله بن عبدالله، شواهد التنزیل، ۴۱۸/۲).

سؤال قبر و برزخ در روایات شیعه هر چند مختلف است، اما با توجه به آن که لسان این روایات، حصر نبوده با یکدیگر تعارض ندارند و قدر متیقن از آن روایات این است که سؤال در قبر از مباحث اعتقادی خواهد بود، هر چند در برخی از روایات سؤال از برخی فروع نیز مطرح شده است. البته در خصوص فرد مورد سؤال در برزخ دو دسته روایات به ظاهر متعارض دیده می شود که به نظر می رسد بتوان روایاتی را که سؤال در قبر را به گروه خاصی اختصاص داده به تأویل برد. یک دسته از روایات عامه نیز با روایات شیعه در سؤال از امام فرد همسو است و دسته دیگر، سؤال از امام فرد را نفی می کند که این دسته از نظر سندی ضعیف است.

۴.۴. مکان برزخ

در دسته ای از روایات شیعه ارواح مؤمنان بعد از مرگ در وادی السلام (پشت کوفه) گرد هم می آیند (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۴۳/۳؛ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ۴۶۶/۱) و ارواح کفار در مکانی به نام برهوت خواهند بود (ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ۱۱۲/۱؛ صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۴۰۴/۱؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۴۶ - ۲۶۱/۲۴۷، ۸؛ حرانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، ۲۳۰؛ صدوق، محمد بن علی، الخصال، ۴۴۱/۲؛ مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، ۳۲۲؛ طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الإمامة، ۲۲۹) یک دسته از این روایات برهوت را چشمه ای دانسته (حرانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، ۲۳۰؛ صدوق، محمد بن علی، الخصال، ۴۴۱/۲) و دسته دیگر آن را دره ای (صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات، ۴۰۴/۱؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۶۱/۸؛ مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، ۳۲۲) دانسته است که البته وجه جمع به این است که

برهوت چشمه ای در یک دره باشد که در این صورت این دو تعارضی نخواهند داشت. اما دسته دیگر از روایات ارواح مؤمنان را دربرزخ داخل اتاق‌هایی بهشتی دانسته است (اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ۸۹؛ برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۱/ ۱۷۸؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۳/ ۲۴۴). در روایتی از کافی ارواح مؤمنان در داخل درختی در بهشت وصف شده‌اند و در این روایت تعبیر «إِنَّ الْأَرْوَاحَ فِي صَفَةِ الْأَجْسَادِ فِي شَجَرَةٍ فِي الْجَنَّةِ» (همو) آمده است، اما به نظر می‌رسد واژه «شجرة» در این روایت تصحیف «حُجرة» باشد؛ چرا که داخل درخت بودن مفهوم واضحی ندارد اما با داخل اتاق بودن مشکلی ندارد و روایات دیگر (اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ۸۹؛ برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۱/ ۱۷۸؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۳/ ۲۴۴) آن را تأیید می‌کند.

به نظر می‌رسد وجه جمع بین این دو دسته روایات به این باشد که مؤمنان برای بهره‌مندی از نعمت‌های الهی در داخل اتاق‌های بهشتی دربرزخ متنعمند و برای گفت‌وگو در وادی السلام جمع می‌شوند، یا آن که اتاق‌های بهشتی در وادی السلام قرار دارد که به نظر این وجه دوم مناسب‌تر است. از سویی دسته‌ای دیگر از روایات خود قبر را مکان برزخ دانسته و بهشت یا جهنم برزخی را داخل خود قبر می‌داند (قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرعلی بن ابراهیم، ۲/ ۹۴؛ مفید، محمد بن محمد، الامالی، ۲۶۵) که با جمع مذکور ناسازگار است. برای جمع بین این سه دسته از روایات ناچار باید برزخ را همان قبر دانست اما امکان جابه‌جا شدن ارواح از آن به سایر مکان‌ها (مؤمنان به وادی السلام و کفار به برهوت) آن هم برای گردهم‌آیی در آن وجود دارد. شگفت این است که در صحاح سته عامه روایتی درخصوص برهوت یافت نشد، لیکن عبد الرزاق در «المصنف» روایتی را از امام علی (ع) نقل کرده که جایگاه ارواح کفار را چاهی به نام بلهوت در سرزمین برهوت دانسته است (صنعانی، عبد الرزاق، المصنف، ۵/ ۱۱۵).

دسته دیگر از روایات عامه جایگاه نهایی ارواح مؤمنان دربرزخ را آسمانی دانسته که خدا آن جا قرار دارد و جایگاه نهایی کفار را بعد از صعود به آسمان و پذیرفته نشدن آن و عدم گشوده شدن درب آسمان بر روی او، همان قبردانسته است (ابن حنبل، احمد، مسند احمد، ۱۴/ ۴۲، ۳۷۸/ ۱۵؛ ابن ماجه، محمد بن یزید، ۵/ ۶۴۸). همین مضمون که ارواح مؤمنان به آسمان برده می‌شود در روایتی از کافی نیز به چشم می‌خورد که ارواح مؤمنان در شب جمعه به عرش برده می‌شوند و دوباره به بدن مثالی بازگردانده می‌شوند (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱/ ۲۵۴). تعبیر «السماء التي فيه الله» که در روایت مسند احمد آمده در برخی از نسخه‌ها وجود ندارد و این خود ظن زیادت از سوی کاتبان یا راویان را در این بخش از روایت تقویت می‌کند و در سنن نسائی نیز به جای «التي فيه الله»، تعبیر «السماء السابعة» آمده است (نسائی، احمد بن علی، سنن نسائی، ۴۲/ ۱۴-۱۵).

۴. ۵. عذاب برزخ (زندگی سخت)

براساس روایتی از امام سجاد (ع) برزخ در آیه «وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ» (مؤمنون/ ۱۰۰) به قبر تفسیر شده و «معيشة ضنكاً» (طه/ ۱۲۴) به معنای زندگی بسیار بسیار سخت و دشوار (ابن قتیبۀ، عبدالله بن مسلم، غریب القرآن، ۲۴۱؛ طوسی، محمد بن حسن، التبیان، ۷/ ۲۱۹) برای برزخیان نشان داده شده است (صدوق، محمد بن علی، الخصال، ۱/ ۱۲۰). در نامه امام علی (ع) به محمد بن ابی بکر و اهل مصر «معيشة ضنكاً» (طه/ ۱۲۴) همان عذاب قبر دانسته شده است (ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، ۱/ ۱۵۱). ابن شهر آشوب نیز روایت مرسلی از رسول خدا (ص) گزارش کرده که این مطلب را تأیید می‌کند (ابن شهر آشوب، محمد بن علی، متشابه القرآن ومختلفه، ۲/ ۹۹).

به نظر می‌رسد روایت تفسیرعلی بن ابراهیم قمی مبنی بر این که امام صادق (ع) از بیم خود بر شیعیان در برزخ خبر داده (قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرعلی بن ابراهیم، ۹۲/۲) نیز ناظر بر بیم ایشان از زندگی سخت یا همان عذاب قبر در برزخ است. دقت در روایت امام سجاد (ع) این مطلب را نشان می‌دهد که زندگی سخت برای همه برزخیان است، اما توجه به آیه شریفه این مطلب را می‌رساند که این زندگی سخت برای مخصوص کسانی است که از یاد خدا رویگردان باشند نه مطلق مردم (طه/۱۲۴) از سویی برخی از امور مذکور در روایات همچون قرائت سوره ملک (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۶۳۳/۲) وقوع مرگ در روز یا شب جمعه (برقی، احمد بن محمد، المحاسن، ۶۰/۱) روزه روزهای پایانی ماه رجب (صدوق، محمد بن علی، الامالی، ۱۵) مانع عذاب قبر عنوان شده است. با توجه به آنچه گفته شد به نظر می‌رسد اصل وقوع دربرزخ ملازم با زندگی سخت است اما اموری این سختی را آسان می‌کند و با توجه به اعمال آدمی برای برخی همچنان سخت خواهد بود و برای برخی دیگر آسان.

در برخی روایات شیعه زندگی سخت یا همان عذاب قبر برای هر مؤمنی تصویر شده است (اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ۸۸؛ مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ۲۲۱/۶).

در برخی روایات عامه از رسول خدا (ص) «معیشه ضنکاً» به عذاب قبرکافر (طبری، محمد بن جریر، جامع البیان، ۱۶۵/۱۶؛ ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ۲۸۴/۵؛ سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور، ۳۱۱/۴) و در برخی دیگر از روایات به مطلق عذاب قبر (تیمی، یحیی بن سلام، تفسیر ابن سلام، ۲۸۶/۱) و نیز فشار قبر (ابن ابی حاتم، عبدالرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، ۲۴۴۰/۷) تفسیر شده است. وجود عذاب قبر در روایات فراوانی از منابع مختلف نیز وارد شده و امری مسلم دانسته شده به گونه‌ای که رسول خدا (ص) از عذاب قبر به خدا پناه می‌برد و به این کار سفارش می‌کند (مالک بن انس، موطا، ۳۰۱/۲، ۲۶۳، ۲۶۲؛ احمد بن حنبل، مسند احمد، ۴/۳، ۴۴۲، ۱۶۸، ۱۴۸، ۱۴۷، ۴۴۰، ۴۰۸، ۶۲، ۶۱). بخاری در صحیح خود باب مستقلی با عنوان «باب ما جاء فی عذاب القبر» گشوده و بعد از ذکر آیات دال بر عذاب قبر ۵ روایت را در آن جای داده است (بخاری، محمد بن اسماعیل، صحیح بخاری، ۴۱۹/۲-۴۲۳). ترمذی، ابن ماجه و احمد بن حنبل روایتی از رسول خدا (ص) گزارش کرده‌اند که ایشان قبر را - که همان برزخ است - هولناک‌ترین منظره ای بیان کرده‌اند که مشاهده نموده‌اند (ابن حنبل، احمد، مسند احمد، ۵۰۳/۱؛ ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، ۶۵۲/۵؛ ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، ۲۸۷/۴). از مجموع روایات فریقین چنین برداشت می‌شود که زندگی سخت در برزخ همان عذاب قبر است که عواملی باعث تشدید یا کاستن از آن می‌شود. زندگی سخت در برزخ منافاتی با سایر روایات ندارد که قبر را برای مؤمن باغی از باغ‌های بهشت دانسته؛ (قمی، علی بن ابراهیم، تفسیرعلی بن ابراهیم، ۹۴/۲؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۴۲/۳؛ صدوق، محمد بن علی، الخصال، ۱۲۰/۱؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، ۳۴۷؛ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ۲۸؛ ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، ۳۵۸/۴) چرا که به نظر می‌رسد عذاب قبر برای مؤمن امری مؤقت خواهد بود.

۶.۴. خواب راحت دربرزخ

برخی از روایات شیعه تصریح دارد که مؤمن بعد از پاسخ صحیح به سوالات نکیر و منکر مورد تفقد [پروردگار مهربان]

قرار گرفته و به او گفته می‌شود که راحت بخوابد. این کلام در روایات با تعبیری همچون «نَمْ نَوْمَةَ الْعُرُوسِ عَلَى فِرَاشِهَا» (اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ۸۲؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۳۱/۳) «نَمْ نَوْمَةَ لَيْسَ فِيهَا حُلْمٌ فِي أَطْيَبِ مَا يَكُونُ النَّائِمُ»، (اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ۸۸؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۳۸/۳) «نَمْ نَوْمَةَ لَا حُلْمَ فِيهَا» (همان) یاد شده است. از صحاح سته، ترمذی روایتی در این خصوص نقل کرده که در آن تعبیر «نَمْ كَنُومَةَ الْعُرُوسِ الَّذِي لَا يُوقِظُهُ إِلَّا أَحَبُّ أَهْلِهِ إِلَيْهِ» به کار رفته است (ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، ۲۴۹/۳).

اما با توجه به این که فرد مؤمنی که وارد برزخ شده مطابق قرآن (مریم/۱۹) و روایات از نعمت‌های الهی متنعم خواهد بود (اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ۸۲) اما خواب راحت با این تنعم منافات دارد. در جواب باید گفت مقصود از خواب راحت به معنای رهایی از سختی‌ها و درد ورنج‌های دنیاست. درد دنیا با وجود دغدغه‌ها و دردورنج‌های گوناگون انسان خواب راحت ندارد از سویی در این روایات تصریح ندارد که تا روز قیامت بخواب، بلکه در ادامه این روایت به بهشت برزخی بشارت داده می‌شود (اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ۸۲؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۳۱/۳). پاسخ دیگری که شاید بتوان داد این است که به جسم گفته می‌شود بخواب و نه به روح، این مطلب را می‌توان با روایتی از امام صادق (ع) تأیید کرد که در آن مرگ را همان خواب طولانی دانسته که انسان روز قیامت از آن خواب برمی‌خیزد؛ (صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، ۲۸۹؛ همو، اعتقادات الامامیه، ۵۳) چرا که هنگام خواب، این جسم است که به خواب می‌رود نه روح، پس در هنگام مرگ و در برزخ نیز باید گفت جسم به خواب فرو می‌رود اما روح مؤمن متنعم خواهد بود.

۷.۴. بدن مثالی

در برخی از روایات به بدن مثالی اشاره شده است. بدن مثالی چنان که گفته شده از لحاظ شکل و شمایل مانند بدن دنیایی انسان است؛ ولی ماده و خواص ماده از قبیل جرم و وزن را ندارد (صفرعلیپور، حشمت الله، معاد استدلالی، ۴۵). در دسته‌ای از روایات تعبیر «إِنَّ الْأَرْوَاحَ فِي صَفَةِ الْأَجْسَادِ» به کار رفته (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۴۴/۳؛ صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۱/۱۹۳) که به نظر می‌رسد اشاره به بدن مثالی باشد. همچنین تعبیر «فَإِذَا قَدِمَ عَلَيْهِمُ الْقَادِمُ عَرَفُوهُمْ بِنَلَكِ الصُّورَةِ الَّتِي كَانَتْ فِي الدُّنْيَا» (اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ۸۹؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۴۵/۳؛ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ۱/۴۶۶؛ همو، الأمالی، ۴۱۹؛ شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ۱۷۲)، تعبیر «فِي أَبْدَانٍ كَأَبْدَانِهِمْ» (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۴۴/۳) و تعبیر «عَلَى صُورَةِ أَبْدَانِهِمْ» (شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ۱۷۲) همه و همه از بدن مثالی حکایت دارد.

مرحوم علامه مجلسی در بحار ذیل ابوابی همچون «أحوال البرزخ والقبر وعذابه وسؤاله وسائر ما يتعلق بذلك»، «باب احتجاج أمير المؤمنين (ع) على أبي بكر»، «باب غصب الخلافة»، «باب أن الأئمة (ع) يظهرون بعد الموت» و «أبواب المعجزات» روایاتی را - - که بر وجود بدن مثالی دلالت دارد - گردآورده است (مجلسی، محمدباقر، بحار الانوار، ۲۳۲/۶) همچنین وی روایات دال بر بدن مثالی را صحیح و معتبر دانسته که با روایات مستفیض تقویت می‌شود (همو، ۲۷۱/۶).

از برخی روایات عامه وجود بدن مثال در برزخ استفاده می‌شود. در روایتی، عمر بن خطاب از رسول خدا (ص)

می پرسد آیا عقول (ارواح) ما در قبر باز می گردد؟ ایشان نیز بعد از جواب مثبت می فرماید: «كَهَيْتَكُمْ الْيَوْمَ»؛ همچون قالبی که امروز دارید (ابن حنبل، احمد، مسند احمد، ۱۷۶/۱۱). برخی، از این روایت بازگشت روح به بدن مادی را نتیجه گرفته اند (محمد بن حیدر، احادیث حیاة البرزخ، ۱۶۴) که صحیح به نظر نمی رسد چون روایت چنین دلالتی ندارد، بلکه با توجه به تشبیه به کار رفته در روایت، مقصود بدن مثالی است، نه بدن مادی؛ چرا که اگر بدن مادی مقصود بود مثلاً باید گفته می شد: «نفس هیئتکم الیوم».

در برخی از روایات عامه از رسول خدا (ص) نقل شده که ارواح مؤمنان درون پرندگانی هستند که از درختی در بهشت آویزان است (ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، ۱۶/۳؛ نسائی، احمد بن علی، سنن نسائی، ۶۶۵/۱) و در روز قیامت به بدن خود باز خواهد گشت (همان). ابن ابی الحدید نیز روایتی را که ارواح شهدا را داخل چینه دان پرندگان تصویر کرده نقل نموده و صحیح دانسته است (ابن ابی الحدید، عبد الحمید بن هبة الله، شرح نهج البلاغه، ۳۷۹/۶). علاوه بر آن که این دسته از روایات با روایت عمر بن خطاب در تعارض است مضمون این روایت که ارواح مؤمنان داخل چینه دان پرندۀ ای در بهشت هستند در بین اصحاب اهل بیت (ع) نیز مورد گفت و گو قرار می گرفته که به نظر برگرفته از عقاید عامه باشد و هنگام عرضه این اعتقاد به اهل بیت (ع) با انکار آنان نسبت به این اعتقاد مواجه می شدند و بدن مثالی مورد تأکید ایشان بوده است (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۴۴، ۲۴۵/۳، طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ۴۶۶/۱؛ همو، الأمالی، ۴۱۸-۴۱۹؛ شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، ۱۷۱-۱۷۲).

دسته دیگری از روایات عامه کودکان مؤمنان را چنین تصویر کرده که به شکل کرم هایی در باتلاق قرار دارند (ابن حنبل، احمد، مسند احمد، ۳۶۳/۱۶، ۲۲۰، ۲۱۸؛ ابن حجاج، مسلم، صحیح مسلم، ۲۰۲۹/۴). تعبیری که در این روایات آمده «صغارهم دعامیص الجنة» است که هر چند در ابتدا چنین تصور می شود که مقصود از روایت این است که کودکان، به شکل کرم هایی در باتلاق قرار دارند اما با توجه به ذیل روایت که کودکان را در برزخ ملازم با پدران شان دانسته، چنین نتیجه گرفته می شود که تعبیر «دعامیص الجنة» از باب تشبیه بلیغ (آلوسی، محمود بن عبد الله، روح المعانی، ۳۴۳/۲) و استعاره (سید رضی، محمد بن حسین، المجازات النبویة، ۴۰۶) است، وجه شبه دعامیص (کرم های باتلاق) با کودکان نیز در این است که «دعامیص» همواره در آب هستند و کودکان نیز همواره ملازم پدران شان خواهند بود، پس این روایات دلالتی بر این ندارد که قالب مثالی کودکان به شکل کرم باتلاق باشد. البته برخی وجه شبه را سیاحت و تحرک اطفال در منازل بهشت همچون تحرک کرم ها (ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، ۳۶/۷) و برخی دیگر بازی آنان در نهرهای بهشت، همچون بازی کرم ها در آب (سید رضی، محمد بن حسین، المجازات النبویة، ۴۰۶) دانسته اند، اما به نظر می رسد وجه شبه مختار با ذیل روایت هماهنگی بیشتری دارد.

۴.۸. وصف بهشت و جهنم برزخی

در روایات شیعه بهشت برزخی دارای برخی از جلوه های بهشت آخرت و نیز دوزخ برزخی دارای جلوه هایی از عذاب جهنم آخرت عنوان شده است. در تفسیر علی بن ابراهیم در روایتی از امام صادق (ع) در ذیل آیات ۸۸-۸۹ و نیز ۹۲-۹۴ چنین آمده است:

عَنْ أَبِي بصيرٍ قَالَ: سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ (ع) يَقُولُ: (فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ) قَالَ: فِي قَبْرِهِ وَ جَنَّةٌ

نَعِيمٍ) قَالَ فِي الْآخِرَةِ (وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكْذِبِينَ الصَّالِينَ- فَنُزِّلَ مِنْ حَمِيمٍ) فِي قَبْرِهِ (وَتَصْلِيَةُ جَحِيمٍ) فِي الْآخِرَةِ (قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر علی بن ابراهیم، ۳۵۰/۲).

در این روایت چنین بیان شده که روح و ریحان مذکور در آیه که تنها جلوه‌ای از بهشت آخرت است در برزخ خواهد بود و بهشت پر نعمت در آخرت است، همچنین سزای تکذیب گران گمراه این است که در برزخ گدازه‌هایی از آتش بر آنان فرود می‌آید اما در جهنم آخرت در داخل آتش افکنده می‌شود.

در دسته‌ای از روایات نیز بهشت برزخی که در قبر قرار دارد باغی از باغ‌های بهشت و دوزخ برزخی حفره‌ای از حفره‌های جهنم عنوان شده است (قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر علی بن ابراهیم، ۹۴/۲؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۴۲/۳؛ صدوق، محمد بن علی، الخصال، ۱۲۰/۱؛ مفید، محمد بن محمد بن نعمان، الاختصاص، ۳۴۷؛ طوسی، محمد بن حسن، الامالی، ۲۸). تعبیر «روضة من رياض الجنة» و نیز «حفرة من حفر النيران» حکایت از آن دارد که بهشت و جهنم برزخی تنها جلوه‌ای از بهشت و جهنم آخرت است. این روایت در منابع عامه درسنت ترمذی نقل شده (ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی، ۳۵۸/۴) اما به دلیل مفرد بودن، آن را غریب پنداشته‌اند (همان).

در روایتی از تفسیر علی بن ابراهیم بهشت برزخی، بهشتی شبیه به باغ‌های دنیا و جهنم برزخی، جهنمی مانند آتش دنیایی دانسته شده است (قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر علی بن ابراهیم، ۴۰۳/۲).

۴. ۹. دیدار ارواح با یکدیگر

دسته‌ای از روایات شیعه زندگی برزخیان اهل بهشت را جمعی دانسته و آنان را در حلقه‌هایی درکنار هم و در حال گفت‌وگو وصف نموده است (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۴۳/۳؛ طوسی، محمد بن حسن، تهذیب الاحکام، ۴۶۶/۱).

دسته‌ای دیگر از روایات شیعه حاکی از آن است که هنگام مرگ یک شخص ارواح مؤمنان [دربرزخ] به دور او جمع شده و از احوال او می‌پرسند و از حال دیگران جویا می‌شوند، اگر فردی از دنیا رفته و نزد آنان نیامده خواهند گفت وی [به جهنم] سقوط کرد (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۴۵/۳). در مسند احمد بن حنبل نیز روایتی نقل شده مبنی بر این که ارواح مؤمنان با یکدیگر از مسیری به طول یک شبانه روز دیدار می‌کنند و حال آن که قبلاً یکدیگر را ندیده‌اند (ابن حنبل، احمد، مسند احمد، ۱۱ / ۶۲۶، ۲۱۲). البته در دسته‌ای از روایات عامه تعبیر «إِنَّ الرُّوحَ لَا تَلْقَى الرُّوحَ» آمده (همان، ۱۸۸/۳۶) که به ظاهر با روایاتی که تصریح به دیدار ارواح می‌کند در تعارض است، اما با توجه به سیاق روایت و نیز نسخه‌های موجود به نظر می‌رسد به جای «لا تلقی» باید «لتلقى» باشد، هر چند «لا تلقی» مشهور بوده اما به نظر سهو قلم کاتب است. برخی نیز این گونه توجیه کرده‌اند که مقصود آن است که روح مؤمن با روح کافر دیدار نمی‌کند (محمد بن حیدر، احادیث حياة البرزخ، ۲۹۷) که به نظر این توجیه صحیح نیست و روایت آن را بر نمی‌تابد؛ چرا که در روایت سخن از دیدار روح پیامبر (ص) با روح ثابت انصاری است است از جمله مؤمنان بوده است. البته این محقق در نهایت، تصحیف در روایت را از «لتلقى» به «لا تلقی» ترجیح داده است تا این توجیه.

۴. ۱۰. دیدار با اهل بیت (ع)

روایات شیعه بر این مطلب تصریح دارد که مؤمنان در برزخ با اهل بیت (ع) دیدار می‌کنند (اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، ۸۲؛ کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۳۲/۳). دسته‌ای از روایات نیز این دیدار در هنگامه موت برای

همگان اعم از مؤمن و کافر دانسته‌اند (همان دومنبع)، چنان‌که در برخی از روایات، امام صادق (ع) از دیدار برخی از اصحاب همچون زکریا بن سابور (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۳۰/۳؛ کشی، محمد بن عمر، ۳۳۶) و برخی از منحرفان از اهل بیت (ع) همچون خطاب جُهنی (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۱۳۴/۳) با امام علی (ع) هنگام موت خبر داده است. در منابع عامه روایات موقوفی وجود دارد مبنی بر این‌که ارواح مؤمنین در برزخ با رسول خدا (ص) دیدار می‌کنند (ابن حنبل، احمد، مسند احمد، ۳۲/۱۸، ۲۲۸/۲۰۱) اما روایاتی که به دیدار ارواح با اهل بیت ایشان تصریح یا تلویح داشته باشد یافت نشد.

۱۱.۴. اعاده روح به جسد در قبر

کلینی روایت جابر جعفی مبنی بر اعاده روح در قبر به جسد را روایت کرده است (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۳۴/۳). این روایت در منابع شیعه تنها توسط کلینی نقل شده و خبری واحد مفرد است. سند این روایت صحیح است و همه راویان آن از ثقات هستند اما این روایت از طریق دیگری که نیز نقل شده (همان) که این فقره در آن وجود ندارد و به نظر می‌رسد این فقره از اضافات جابر جعفی است و به نظر می‌رسد تعبیر کلینی در ابتدای این حدیث «وزاد فیه» به همین مطلب دلالت دارد.

در منابع عامه احمد بن حنبل (ابن حنبل، احمد، مسند احمد، ۵۰۲/۳۰، ۵۰۰) و ابوداود (ابوداود، سلیمان بن اشعث، سنن ابی داود، ۲۳۱/۴) همین روایت را که فقره‌ای از یک روایت نسبتاً طولانی است نقل کرده‌اند، سند این روایت در دیدگاه عامه صحیح تلقی می‌شود اما همچون روایت جابر، خبر واحد مفرد است. به نظر می‌رسد این بخش از روایت که به منبع شیعی نیز راه یافته از جمله اخبار دخیلی است که نه به عنوان روایت، بلکه تلقی جابر بوده و آن را افزوده و معلوم نیست آن را جزو روایت می‌دانسته است.

در روایت دیگری از کافی تعبیر «فَيُلْقِيَانِ فِيهِ الرُّوحَ» وارد شده (کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، ۲۳۹/۳) بدین معنا که نکیر و منکر، روح به میت القا می‌کنند، که البته مجمل بوده و ظهوری در اعاده روح به جسد ندارد و ممکن است مقصود القای روح در بدن مثالی باشد. البته آن‌چه از سیاق روایت به نظر می‌رسد این است که نکیر و منکر، روح میت را در درون قبر به صورت نشسته قرار می‌دهند و در واقع ضمیر «فیه» به قبر باز می‌گردد نه به جسد یا میت و اگر تعبیر به صورت کامل در نظر گرفته شود «فَيُلْقِيَانِ فِيهِ الرُّوحَ إِلَى حَقْوِيهِ فَيُقْعِدَانِهِ» اجمال برطرف شده و آشکاری گردد که اصلاً مقصود از این تعبیر، اعاده روح نیست بلکه به معنای خم کردن روح برای نشان دادن وی است.

۵. تأثیر روایات عالم برزخ در شکل‌گیری اعتقاد فریقین به حیات برزخی

دسته بندی یازده‌گانه فوق برای روایات برزخی به ما کمک می‌کند تا تأثیر این دسته از روایات را در شکل‌گیری اعتقاد فریقین به حیات برزخی مورد بررسی قرار دهیم. چنان‌که ذکر شد، اعتقاد به اصل وجود حیات برزخی از سوی هیچ یک از فریقین مورد انکار قرار نگرفته، اما اختلاف در چگونگی حیات برزخی است که ریشه در روایات فریقین دارد. البته در برخی از اوصاف حیات برزخی فریقین اتفاق نظر دارند که این مهم نیز به دلیل اشتراک دسته‌هایی از روایات-فریقین در آن وصف به خصوص حیات برزخی است. از جمله اوصاف مشترک حیات برزخی که روایات فریقین بدان اشاره دارد و مورد قبول متکلمان فریقین قرار گرفته و در شکل‌گیری اعتقاد آنان به حیات برزخی تأثیر گذار بوده می‌توان از

موارد ذیل یاد کرد:

۱. تاریکی برزخ (حنبل، ابن رجب، ۲۱؛ رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ۱۶۶/۳۱؛ مدنی، سید علی خان، ریاض السالکین، ۱/۳۳۳). ۲. سوال قبر که بر وجود این مهم در کلام فریقین ادعای اجماع شده (مفید، محمد بن محمد، اوئل المقالات، ۷۶؛ تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح المقاصد، ۵/۱۱۳)، شیخ مفید این اعتقاد را علاوه بر اجماع به روایات مستند می‌داند (مفید، محمد بن محمد، اوئل المقالات، ۷۷). ۳. عذاب قبر و برزخ (همو؛ طوسی، محمد بن محمد، تجرید الاعتقاد، ۳۰۷؛ حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد، ۴۲۴؛ معتزلی، قاضی عبد الجبار، شرح الاصول الخمسة، ۴۹۳؛ ابن قیم، محمد بن ابی بکر، الروح، ۷۱). خواجه نصیر دلیل خود بر وقوع عذاب قبر را امکان آن و روایات متواتر عنوان کرده است (طوسی، محمد بن محمد، تجرید الاعتقاد، ۳۰۷). قاضی عبد الجبار وجود عذاب قبر را در میان امت بدون هیچ اختلافی، جز از سوی ضرار بن عمرو ثابت دانسته و برای اثبات این دیدگاه از برخی روایات نیز بهره گرفته است (معتزلی، قاضی عبد الجبار، شرح الاصول الخمسة، ۴۹۳). ابن قیم نیز از جمله ادله وجود عذاب قبر را روایات صحیح دانسته است (ابن قیم، محمد بن ابی بکر، الروح، ۱۱۶-۱۱۷). ۴. بدن مثالی (مفید، محمد بن محمد، اوئل المقالات، ۳۲۲؛ فیض کاشانی، محمد محسن، انوار الحکمة، ۲۹۱). ۵. تأکید بر وصف بهشت و جهنم برزخی به «روضة من ریاض الجنة یا حفرة من حفر النيران» (ابن ابی العز، شرح العقيدة الطحاوية، ۳۹۶؛ رازی، محمد بن عمر، مفاتیح الغیب، ۱۲۶/۴؛ تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح المقاصد، ۵/۱۱۲؛ فیض کاشانی، محمد محسن، انوار الحکمة، لاهیجی، عبد الرزاق بن علی، گوهر مراد، ۶۴۷). ۵. دیدار ارواح با یکدیگر (قرطبی، محمد، التذکرة فی أحوال الموتی و أمور الآخرة، ۱/۱۸۰، ۷۳؛ ابن قیم، محمد بن ابی بکر، الروح، ۱۶۵؛ صدوق، محمد بن علی، الاعتقادات، ۴۸). ۶. اعاده روح به جسد؛ با توجه به برخی از روایات مذکور در دسته یازدهم ابن قیم جوزیه و ابن ابی العز بازگشت روح را به بدن پذیرفته‌اند (ابن قیم، محمد بن ابی بکر، الروح، ۷۱؛ ابن ابی العز، شرح العقيدة الطحاوية، ۳۹۹) که البته سخن بی‌وجهی است؛ چرا روایات وارد در این خصوص چنانکه گذشت اخبار آحاد بوده و قابل استناد نیست علاوه بر آن که از حیث فقه الحدیثی قابل مناقشه است.

۶. نتیجه گیری

با بررسی تطبیقی روایات حیات برزخی از منظر فریقین این نتایج به دست می‌آید؛ که دسته‌ای روایات شیعه به معنای برزخ پرداخته اما این مورد در روایات عامه به چشم نمی‌خورد. در روایات فریقین اصل اولی در تاریکی برزخ مسلم پنداشته شده است. سؤال قبر و برزخ در روایات شیعه هر چند مختلف است، اما با توجه به آن که لسان این روایات، حصر نبوده با یکدیگر تعارض ندارند و قدرمتیقن از آن روایات این است که سؤال در قبر از مباحث اعتقادی خواهد بود، هر چند در برخی از روایات سؤال از برخی فروع نیز مطرح شده است. البته در خصوص فرد مورد سؤال در برزخ دو دسته روایات به ظاهر متعارض دیده می‌شود که به نظر می‌رسد بتوان روایاتی را که سؤال در قبر را به گروه خاصی اختصاص داده به تأویل برد. یک دسته از روایات عامه نیز با روایات شیعه در سؤال از امام فرد همسو است و دسته دیگر، سؤال از امام فرد را نفی می‌کند که این دسته از نظر سندی ضعیف است. برزخ در روایات شیعه همان قبر است اما ارواح مؤمنان در وادی السلام و ارواح کفار در برهوت گردهم می‌آیند. در روایات عامه ارواح مؤمنان در آسمان هفتم و ارواح کفار در قبر قرار می‌گیرند. روایات فریقین زندگی در برزخ را، زندگی سخت دانسته است که اشاره به عذاب قبر است. در

روایات فریقین برزخ برای مؤمن خوابگاه راحتی وصف شده که همچون عروس در آن آرام می‌گیرد. بدن مثال در روایات فریقین مورد تأکید است اما در دسته‌ای روایات عامه ارواح دربرزخ داخل بدن پرندگان دانسته شده که علاوه بر تعارض داشتن با دسته دیگر روایات عامه، مقابله اهل بیت (ع) با چنین اندیشه‌ای را شاهد هستیم. با توجه به روایات فریقین ارواح در برزخ با یکدیگر دیدار می‌کنند. در روایات شیعه ارواح مؤمنان با اهل بیت (ع) دیدار می‌کنند اما در روایات عامه این مطلب منعکس نشده و تنها برخی روایات موقوف بر دیدار با رسول خدا (ص) اشاره دارد. اعاده روح به بدن دربرزخ در روایات فریقین منعکس شده که در هر دو با ضعف سندی مواجه است و روایت شیعه در این خصوص دخیل بوده یا اضافاتی از روات در آن وجود دارد. روایات برزخ تأثیر به‌سزایی در شکل‌گیری اعتقاد فریقین به حیات برزخی داشته است به‌گونه‌ای که متکلمان فریقین اعقاد به تاریکی برزخ، سؤال برزخ، عذاب برزخ، بدن مثالی، وصف بهشت و جهنم برزخی و دیدار ارواح با یکدیگر را با استناد به این روایات پذیرفته‌اند.

۷. منابع

- قرآن کریم

۱. آلوسی، محمود بن عبد الله، روح المعانی فی تفسیر القرآن العظیم والسبع المثانی، بیروت: دار الکتب، ۱۴۱۵ ق.
۲. ابن ابی حاتم، عبد الرحمن بن محمد، تفسیر القرآن العظیم، المملكة العربية، مكتبة نزار مصطفى الباز، ۱۴۱۹ ق.
۳. ابن ابی العز، شرح العقيدة الطحاوية، بغداد: دار الکتب العربی، ۲۰۰۵ م.
۴. ابن اثیر، علی بن محمد، اسد الغابة فی معرفة الصحابة، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۲۴ ق.
۵. ابن اثیر، مبارک بن محمد، النهایة فی غریب الحديث والاثار. تحقیق: طناحی، محمود محمد. چاپ چهارم. قم: اسماعیلیان، ۱۳۶۷ ش.
۶. ابن حجاج، مسلم، صحیح مسلم، قاهره: دار الحديث، ۱۴۱۲ ق.
۷. ابن حنبل، احمد بن محمد، مسند الامام احمد بن حنبل، بیروت، مؤسسة الرسالة، ۱۴۱۶ ق.
۸. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، متشابه القرآن ومختلفه، قم: منشورات بیدار، ۱۴۱۰ ق.
۹. ابن شهر آشوب، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب (ع)، قم: علامه، ۱۳۷۹ ق.
۱۰. ابن فارس، احمد، معجم مقاییس اللغة، تحقیق: هارون، عبدالسلام محمد، چاپ اول. قم: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۴ ق.
۱۱. ابن قیم، محمد بن ابی بکر، الروح، بیروت: دار الفكر العربی، ۱۹۹۶ م.
۱۲. ابن ماجه، محمد بن یزید، سنن ابن ماجه، تحقیق: بشار عواد معرف، بیروت: دار الجیل، ۱۴۱۸ ق.
۱۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب. چاپ سوم. بیروت: دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۱۴. امام سجاد (ع)، علی بن الحسین، صحیفه سجادیه، قم: نشر الهادی، ۱۳۷۶ ق.
۱۵. امام حسن عسکری (ع)، حسن بن علی، تفسیر منسوب به امام عسکری (ع)، قم: مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق.
۱۶. اهوازی، حسین بن سعید، الزهد، قم: المطبعة العلمیة، ۱۴۰۲ ق.
۱۷. برقی، احمد بن محمد، المحاسن، قم: دار الکتب الاسلامیة، ۱۳۷۱ ق.

۱۸. ترمذی، محمد بن عیسی، سنن ترمذی (الجامع الصحیح)، قاهره: دار الحديث، ۱۴۱۹ ق.
۱۹. تفتازانی، مسعود بن عمر، شرح المقاصد، قم: الشریف الرضی، ۱۴۰۹ ق.
۲۰. تیمی، یحیی بن سلام، تفسیر ابن سلام، بیروت: دارالکتب، ۱۴۲۵ ق.
۲۱. ثقفی، ابراهیم بن محمد، الغارات، تحقیق: حسینی، عبد الزهرا. قم: دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲۲. حرانی، حسن بن علی بن شعبه، تحف العقول، تحقیق: غفاری، علی اکبر. چاپ دوم. قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۲۳. حلی، حسن بن یوسف، کشف المراد فی شرح تجرید الاعتقاد، بی تا، بی جا.
۲۴. حنبلی، عبد الرحمن بن احمد بن رجب، أهوال القبور وأحوال أهلها إلى النشور، بیروت: ۱۴۲۴ ق.
۲۵. حیدر، محمد، /حادیث حیاة البرزخ فی الکتب التسعة، جمعاً، وتخریجاً، ودراسة، بیروت: دار ابن حزم، ۱۴۲۵ ق.
۲۶. ذهبی، شمس الدین محمد بن احمد، میزان الاعتدال، بیروت: دارالکتب، ۱۴۱۶ ق.
۲۷. راغب، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت: دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
۲۸. سید رضی، محمد بن حسین، المجازات النبویة، قم: دارالحديث، ۱۴۲۲ ق.
۲۹. سیوطی، عبدالرحمن بن ابی بکر، الدر المنثور، قم: مكتبة آية الله المرعشي، ۱۴۰۴ ق.
۳۰. شعیری، محمد بن محمد، جامع الاخبار، نجف اشرف: المطبعة الحیدریة، بی تا.
۳۱. صاحب، اسماعیل بن عباد، المحيط فی اللغة، تحقیق: آل یاسین، محمد حسن. چاپ اول. بیروت: عالم الکتب، ۱۴۱۴ ق.
۳۲. صدوق، محمد بن علی، الاعتقادات، قم: المؤتمر العالمي للشيخ المفيد، ۱۴۱۴ ق.
۳۳. _____، الامالی، تهران: کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۳۴. _____، الخصال، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۶۲ ش.
۳۵. _____، معانی الاخبار، قم: جامعه مدرسین، ۱۳۰۴ ق.
۳۶. _____، من لا یحضره الفقیه، قم: انتشارات جامعه مدرسین، چاپ دوم، ۱۴۱۳ ق.
۳۷. صفار، محمد بن حسن، بصائر الدرجات فی فضائل آل محمد (ص)، قم: مكتبة آية الله المرعشي، ۱۴۰۴ ق.
۳۸. صفرعلیپور، حشمت الله، وعبده الله ابراهیمزاده، معاد استدلالی، تهران: بی جا، ۱۳۷۶ ش.
۳۹. صنعانی، عبدالرزاق، المصنف، بیروت: المکتب الاسلامی، ۱۴۰۳ ق.
۴۰. طبری آملی، محمد بن جریر، دلائل الامامة، قم: بعثت، ۱۴۱۳ ق.
۴۱. طبری، محمد بن جریر، جامع البیان عن تأویل آی القرآن، بیروت: دار المعرفة، ۱۴۱۲ ق.
۴۲. طریحی، فخرالدین بن محمد، مجمع البحرین. چاپ سوم. تهران: مرتضوی. ۱۳۷۵ ش.
۴۳. طوسی، محمد بن حسن، التبیان فی تفسیر القرآن، بیروت: دار إحياء التراث، بی تا.
۴۴. _____، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب، ۱۴۰۷ ق.
۴۵. _____، مصباح المتعبد. چاپ اول. بیروت: مؤسسة فقه الشيعة، ۱۴۱۱ ق.
۴۶. طیالسی، سلیمان بن داوود، مسند أبی داود الطیالسی، دار هجر للنشر، المملكة العربية، ۱۴۲۰ ق.
۴۷. طوسی، محمد بن محمد، تجرید الاعتقاد، تهران: مکتب الاعلام الاسلامی، ۱۴۰۷ ق.
۴۸. لاهیجی، عبدالرزاق بن علی، گوهر مراد، تهران: سایه، ۱۳۸۳ ش.

۴۹. عقیلی، محمد بن عمرو، الضعفاء الکبیر، تحقیق: امین قلجی، بیروت: دار الکتب العلمیة، ۱۴۱۸ق.
۵۰. فراهیدی، خلیل بن احمد، کتاب العین، قم: هجرت، الطبعة الثانية، ۱۴۰۹ق.
۵۱. فراء، یحیی بن زید، معانی القرآن، قاهره: الهيئة المصرية العامة للكتاب، ۱۹۸۰ق.
۵۲. فیض کاشانی، محمد محسن، انوار الحکمة، قم: بیدار، ۱۴۲۵ق.
۵۳. قرطبی، محمد، التذکرة فی أحوال الموتی و أمور الآخرة، بیروت: المكتبة العصرية، ۱۴۲۳ق.
۵۴. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر علی بن ابراهیم قمی، قم: دار الکتب، ۱۳۶۳ش.
۵۵. کلینی، محمد بن یعقوب، الکافی، قم: الاسلامیة، ۱۴۰۷ق.
۵۶. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ق.
۵۷. مجلسی، محمد تقی، روضة المتقین فی شرح من لایحضره الفقیه، قم: مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانبور، ۱۴۰۶ق.
۵۸. _____، لوامع صاحبقرانی، قم: اسماعیلیان، ۱۴۱۴ق.
۵۹. معتزلی، قاضی عبد الجبار، شرح الاصول الخمسة، بیروت: دار احیاء التراث، ۱۴۲۲ق.
۶۰. مفید، محمد بن محمد، الاختصاص، قم: المؤتمر العالمي لآل الفیة الشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۶۱. _____، اوائل المقالات و المذهب و المختارات، قم: المؤتمر العالمي للشیخ المفید، ۱۴۱۳ق.
۶۲. _____، تصحیح الاعتقادات، قم: کنگره شیخ مفید، ۱۴۱۴ق.
۶۳. مالک بن انس، موطا، ابوظبی: مؤسسه زاید بن سلطان، ۱۴۲۵ق.
۶۴. مدنی، سید علی خان، ریاض السالکین فی شرح صحیفة سید الساجدین، قم: اسلامی، ۱۴۰۹ق.
۶۵. نسائی، احمد بن علی، سنن نسائی، السنن الکبری، بیروت: دارالکتب العلمیة، ۱۴۱۱ق.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی